

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال هفتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۰

صص ۱۳۵-۱۰۱

مطالعه جایگاه ژئواکونومیک سازمان همکاری شانگهای در جهان

دکتر بهرام امیراحمدیان* - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران

میرعبداله حسینی - عضو هیأت علمی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۵/۲۰

چکیده

مقاله حاضر شاخص‌های ژئواکونومیک سازمان همکاری شانگهای و کشورهای عضو و ناظر این سازمان و جایگاه آن متغیرها را در جهان مطابق جدیدترین اطلاعات آماری مورد مطالعه و ارزیابی قرار می‌دهد. این مقاله گامی نخست جهت تبیین و مطالعه تطبیقی شاخص‌های کلیدی ژئواکونومی اثرگذار بر منطقه‌گرایی است که به نوبه خود توانمندی‌ها و استعدادها را در ایجاد هم‌پیوندی اقتصادی منطقه‌ای نشان می‌دهد. جمع‌بندی مقاله حاکی است که سازمان همکاری شانگهای صرفاً یک پیمان نظامی - امنیتی نیست و به تدریج موضوعات اقتصادی را در سرلوحه برنامه‌ها دارد. این سازمان هم‌اینک ۶ عضو دائم و ۴ عضو ناظر دارد. با عضویت کامل ایران در این سازمان در آینده، ایران نخستین بار خواهد بود که به یک ترتیب غیراقتصادی (نظامی-امنیتی) ملحق می‌شود. مساحت کشورهای عضو (اصلی و ناظر) پیمان شانگهای روی هم معادل ۳۷ میلیون کیلومتر مربع یا بیش از ۲۸ درصد سطح خشکی‌های زمین است و اعضای آن از حیث جغرافیایی نزدیک به هم و در واقع جزء شرکای تجاری طبیعی یکدیگرند. این سازمان با جمعیت ۲.۹ میلیارد نفر، ۴۳.۶۲ درصد از جمعیت جهان را شامل می‌شود.

در این قلمرو دو غول اقتصادی آسیا (چین و هند) در حال قدرت‌گیری و تبدیل شدن به قدرتهای تأثیرگذار در منطقه و جهان هستند که هر دو فاقد منابع انرژی‌اند و ناگزیرند بخش بزرگی از انرژی مصرفی برای اقتصاد در حال رشد خود را از خارج وارد کنند. در این پیمان دو غول عمده تولیدکننده نفت (ایران و روسیه) وجود دارند که از ذخایر غنی گاز نیز برخوردارند. بنابراین پیمان مذکور از سه عامل انرژی (نفت و گاز)، تولیدات (صنعتی و کشاورزی) و مصرف (جمعیت قابل توجه) برخوردار است. جمعیت منطقه خود بازار بزرگی برای

تولیدات صنعتی و کشاورزی منطقه است.

اما در این پیمان منطقه‌ای نکات منفی چندی نیز وجود دارد. کشورهای عضو پیمان شانگهای علاوه بر تجزیه‌طلبی با جریان قاچاق مواد مخدر، اسلام‌گرایی طالبانی و قاچاق اسلحه و انسان نیز مواجهند که در برابر تهدیدات مشترک می‌توانند با یکدیگر همکاری کنند. تهدیدهای دیگری که می‌تواند آینده همکاری‌های منطقه‌ای را در چارچوب پیمان‌شانگهای دچار خلل کند، خصومت‌های بین چین و هند از یک‌سو و هند و پاکستان از سوی دیگر است. جمع‌گیری بازی آنها می‌تواند بازی صفر باشد. از این‌رو این پیمان با دو عضو قدرتمند و پرجمعیت می‌تواند در صورت موازنه منفی به فروپاشی و در صورت موازنه مثبت، به قدرتی تأثیرگذار تبدیل شود.

اصولاً سازمانهای منطقه‌ای در عرصه بین‌الملل بدون داشتن ضریب امنیتی بالا نتوانسته‌اند موفق باشند. از سویی سه قدرت مهم این پیمان (چین، هندوستان و روسیه) کشورهای مسلمان نیستند هرکدام از آنها با دیدگاه دینی و فرهنگی متفاوتی، کشورهای مسلمان سنتی (ایران و پاکستان) را در کنار هم گرد آورده و به همکاری با یکدیگر ترغیب نمایند. هنوز زود است که بتوان در مورد ادامه همکاری در شانگهای رأی نهایی صادر کرد، اما همین مقدار که این کشورها می‌خواهند در کنار هم قرار گیرند، گامی رو به جلو است. اگر بدانیم که سازمان شانگهای در دهه ۹۰ برای رفع تهدیدهای نظامی و مبارزه با اسلام افراطی شکل گرفت و برای حل مسئله اختلافات مرزی باقی‌مانده از دوران جنگ سرد بین چین و شوروی تشکیل شد، انتظارات پیشرفت همکاری‌های اقتصادی را با دیدگاهی انتقادی‌تر مورد ملاحظه قرار خواهیم داد. با این وجود جهان آینده جهان همکاری‌های منطقه‌ای است و سازمان شانگهای می‌تواند در این راه گام بر دارد.

واژه‌های کلیدی: متغیرهای ژئواکونومی، هم‌پوندی منطقه‌ای، قدرتهای تأثیرگذار، سازمان همکاری شانگهای.

۱- مقدمه

مقاله حاضر با هدف مطالعه ژئواکونومی سازمان همکاری شانگهای^۱ و ارزیابی جایگاه ژئواکونومیک آن سازمان در جهان تدوین شده است. منظور از جایگاه ژئواکونومیک، در واقع مجموعه شاخص‌ها و متغیرهایی است که موقعیت و جایگاه کشورهای عضو و ناظر سازمان همکاری شانگهای را در حوزه ژئواکونومی در جهان به نمایش می‌گذارد. در انتخاب شاخص‌های ارزیابی ژئواکونومی مجموعه ویژگی‌هایی به شرح زیر مدنظر قرار گرفته است:

1. Shanghai Cooperation Organization(SCO)

اول اینکه، تا حد ممکن کلان و کلی‌نگر باشند تا خرد و جزئی‌نگر؛ دوم اینکه، این شاخص‌ها بین‌المللی باشند تا امکان مقایسه برای کشورها فراهم گردد؛ سوم اینکه، در سطح بسیاری از کشورهای مورد نظر در دسترس و یا قابل محاسبه باشد؛ چهارم اینکه، در موارد جدلی (نظیر اندازه جمعیت و رشد آن) برای انتخاب شاخص‌های ارزیابی جغرافیای اقتصادی اعم از متغیرهای مقیاس، وضعیت و روند، در قالب سایر شاخص‌های مرتبط انعکاس یافته است.

مقاله حاضر گامی نخست جهت تبیین و مطالعه تطبیقی شاخص‌های کلیدی ژئواکونومی و اقتصاد کلان بین‌الملل اثرگذار بر منطقه‌گرایی است که به‌نوبه خود توانمندی‌ها و استعداد‌های آنها را در ایجاد همپیوندی اقتصادی منطقه‌ای نشان می‌دهد. در این مقاله ابتدا مفهوم منطقه‌گرایی و ابعاد و اشکال آن ارائه می‌شود و سپس مجموعه شاخص‌ها از مهمترین متغیرهای ژئواکونومی اثرگذار بر همپیوندی اقتصادی، مطالعه تطبیقی قرار گرفته و موقعیت ایران در آن شاخص‌ها و جایگاه آن در اقتصاد جهانی به‌طور برجسته ارائه می‌شود.

۲- مباحث نظری و روش تحقیق

عنصر کلیدی در تعریف منطقه‌گرایی مفهوم «منطقه» است. از منطقه به‌عنوان گروهی از کشورها که در یک چارچوب حقوقی و به‌صورت نامحدود در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه‌های اقتصادی با یکدیگر همکاری نموده و به‌تدریج همکاری‌های خود را توسعه می‌دهند (Sheila Page, 2000: 5)، یاد شده است. بر اساس این تعریف، همکاری‌هایی که کشورها به‌صورت محدود و به‌طور موقت با یکدیگر انجام می‌دهند از دامنه شمول مفهوم منطقه‌گرایی خارج است. بر این اساس منطقه‌گرایی خصلت پایدار داشته و در آن افق درازمدتی برای همکاری کشورها در نظر گرفته می‌شود. منطقه‌گرایی اغلب جنبه تکاملی داشته و سطح و دامنه همکاری‌ها به‌تدریج عمق پیدا می‌کنند. منطقه‌گرایی بسته به دامنه و عمق همکاری‌های اعضا در اشکال متفاوتی ظهور می‌یابد. یکی از ابتدایی‌ترین سطوح و اشکال ترتیبات تجاری منطقه‌ای «موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی»^۱ است که شرکت‌کنندگان در چنین ترتیباتی به کاهش موانع تجاری؛ شامل تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای، در

ارتباط با بخشی از تجارت یکدیگر اقدام می‌کنند. چنین ترتیباتی به دلیل مجاز نبودن کشورهای توسعه‌یافته به عضویت در آنها بر اساس مقررات سازمان جهانی تجارت اغلب در بین کشورهای در حال توسعه شکل گرفته است که از آن میان می‌توان به «نظام جهانی ترجیحات تجاری»^۱ بین تعدادی از این کشورها اشاره کرد.^۲ در یک سطح بالاتر از موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی، مناطق آزاد تجاری^۳ قرار دارند که متداول‌ترین شکل ترتیبات منطقه‌ای به‌شمار می‌آیند. در این نوع از ترتیبات، کشورهای عضو به‌جای کاهش موانع تجاری در ارتباط با تجارت تعداد محدودی از کالاها، به حذف موانع تجاری در ارتباط با تقریباً تمام و یا حجم عمده تجارت یکدیگر اقدام می‌نمایند. معمولاً کشورهایی که موافقتنامه‌های تجارت آزاد منعقد می‌کنند تعهدات آزادسازی خود را در یک دوره انتقالی به اجرا در می‌آورند و تحقق یک منطقه آزاد تجاری عملاً ممکن است ده تا دوازده سال به طول انجامد. امروزه بسیاری از موافقتنامه‌های تجارت آزاد از صرف آزادسازی تجارت کالا بین اعضا فراتر رفته و دامنه تعهدات خود را به حوزه تجارت خدمات نیز گسترش داده‌اند. به‌علاوه تعداد زیادی از موافقتنامه‌های تجارت آزاد در جهان ضوابط و موازینی را در زمینه حقوق مالکیت فکری، سرمایه‌گذاری، سیاست رقابتی، خریدهای دولتی، حقوق کارگران و همکاری در دیگر زمینه‌های مرتبط با تجارت اعمال می‌نمایند. به‌طور تاریخی منطقه اروپا و حوزه مدیترانه بیشترین تعداد ترتیبات تجارت آزاد را در خود جای داده به‌گونه‌ای که سهم این منطقه از ترتیبات منطقه‌ای ۵۰ درصد است (WTO, 2000 "WT/REG/W141" P: 3).

پس از مناطق آزاد تجاری شکل پیشرفته‌تر منطقه‌گرایی تأسیس «اتحادیه گمرکی»^۴ است. اتحادیه گمرکی نوعی ترتیب منطقه‌ای است که اعضاء علاوه بر حذف موانع تجاری در بین یکدیگر، به اتخاذ سیاست تجاری مشترک در قبال غیراعضا اقدام می‌کنند. در این نوع همگرایی

1. Global System of Trade Preferences

^۲. ترتیبات تجارت ترجیحی براساس مصوبه «شرط توانمندسازی» Enabling Clause (۱۹۷۹) برای کشورهای در حال توسعه عضو سازمان جهانی تجارت به‌منظور تشویق تجارت جنوب- جنوب مجاز شمرده شده است. کشورهای توسعه‌یافته مکلف هستند ترتیبات تجاری منطقه‌ای خود را با ضوابط ماده ۲۴ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات ۹۴)، که شرایط سخت‌تری را اعمال می‌نماید، منطبق سازند.

3. Free Trade Area

4. Customs Union

منطقه‌ای که نیازمند صرف نظر کردن از بخش بیشتری از حاکمیت ملی است، اعضا اختیار تدوین مستقل سیاست تجاری خود را در سطح ملی از دست داده و به اتفاق دیگر اعضا، سیاست تجاری یکسانی را در قبال غیرعضو در پیش می‌گیرند. در مناطق پیرامونی ایران، شورای همکاری خلیج فارس تا سال ۲۰۰۵ برنامه تأسیس اتحادیه گمرکی را در دستور کار خود داشته و ترکیه نیز در همسایگی ایران و عضو اکو در سال ۱۹۹۶ با اتحادیه اروپا موافقتنامه اتحادیه گمرکی منعقد کرده و همچنان در جهت عضویت در اتحادیه اروپا تلاش می‌کند. از دیگر اشکال تکامل یافته همگرایی منطقه‌ای می‌توان به «بازار مشترک»^۱ اشاره داشت. در بازار مشترک اعضا به آزادسازی جابجایی عوامل تولید در بین یکدیگر اقدام می‌کنند، پس از بازار مشترک در عالی‌ترین سطوح همگرایی می‌توان «اتحادیه اقتصادی»^۲ را نام برد. در اتحادیه‌های اقتصادی اعضا علاوه بر تأمین بازار مشترک در بین خود به هماهنگی و یکسان‌سازی سیاست‌های پولی، مالی، صنعتی، حمل و نقل و دیگر سیاستها اقدام می‌کنند. این سطح از همگرایی علاوه بر آنکه نیازمند سطح بالایی از اراده سیاسی برای نیل به یکپارچگی در بین اعضا است، درجه بالایی از تجانس اقتصادی و همگونی شاخص‌های اقتصادی اعضا را طلب می‌کند.

روش تحقیق استفاده شده در مقاله حاضر به شرح زیر است: ابتدا بالغ بر ۲۰ متغیر از شاخص‌های کلیدی ژئواکونومی و اقتصاد کلان بین‌المللی کشورهای عضو سازمان شانگهای که توانمندی‌ها و استعدادهای آن کشورها را در ایجاد ترتیبات اقتصادی منطقه‌ای نشان می‌داد، با عنایت به مبانی نظری و پیشینه تجربی برگزیده شدند. این متغیرها در یک دسته‌بندی کلی به چهار دسته شاخص‌های زیر تعلق داشتند: الف- عمومی و جغرافیایی؛ ب- بنیان اقتصادی و سطح توسعه‌یافتگی؛ ج- بازرگانی خارجی و اقتصاد بین‌الملل؛ د- سایر شاخص‌های و متغیرهای مرتبط با مسائل توسعه. در رابطه با شاخص‌های پژوهش باید گفت که از مجموعه شاخص مرتبط با ژئواکونومی (جغرافیا و اقتصاد)، اقتصاد بین‌الملل و تجارت خارجی

-
1. Common Market
 2. Economic Union

کشورهای مورد بحث، تعداد ۱۲ شاخص به‌عنوان شاخص‌ها و متغیرهای نهایی مقاله حاضر انتخاب گردید. از جمله این شاخص‌ها، شامل مزیت نسبی طبیعی (جغرافیایی و جمعیتی)؛ تولید ناخالص داخلی؛ تولید ناخالص داخلی سرانه یا سطح درآمد سرانه؛ شاخص آزادی اقتصادی و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای محاسبه و تحلیل از جدیدترین آمار قابل دسترس استفاده شده است. با عنایت به جمیع ملاحظات اعم از ملاحظات خاص کشوری، حذف شاخص‌هایی **به‌دلیل** نداشتن داده‌های آماری کامل برای تمام کشورها و جهت پرهیز از احتساب مضاعف و متناسب شاخص‌ها، در مجموع بیش از ۱۲ شاخص در فرایند نهایی محاسبات و تحلیل‌ها مورد استفاده قرار گرفت. بدین ترتیب، شاخص‌های توسعه مذکور در ادامه مقاله برای هر یک از کشورهای عضو و ناظر سازمان جهانی تجارت مورد تحلیل و مطالعه تطبیقی قرار گرفته و سپس جایگاه ایران در آن شاخص در مقایسه با دیگر کشورهای مورد بررسی مورد مطالعه قرار گرفته است.

۲- جایگاه جغرافیایی و جمعیتی سازمان همکاری شانگهای

الف: ویژگی جغرافیایی

در بسیاری از گروه‌بندی‌های اقتصادی، اعضا از نظر جغرافیایی به هم نزدیک هستند، گو اینکه جغرافیای اقتصادی می‌تواند تغییر یابد. با این حال، تغییر هزینه‌های نسبی شیوه‌های گوناگون حمل و نقل (زمینی، آبی و هوایی) می‌تواند معادلات درباره اهمیت فاصله بین اعضای گروه‌بندی‌های منطقه‌ای را به هم بزند. کاهش هزینه متوسط حمل و نقل در مقایسه با هزینه‌های دیگر باعث کاهش هزینه گسترش یک گروه‌بندی می‌شود. با وجود این، نزدیکی جغرافیایی و هزینه حمل و نقل تنها عامل تعیین‌کننده در تعیین اعضای یک گروه‌بندی منطقه‌ای نیستند و هزینه حمل و نقل فقط جزئی از کل هزینه‌ها است و بسته به تعداد مراکز تولید و سطوح مختلف توسعه طرفهای بالقوه تجاری، هزینه معامله با آنها فرق می‌کند. نزدیکی جغرافیایی اعضا نه تنها می‌تواند باعث تسهیل و ارزانتر شدن مبادلات تجاری شود، بلکه ممکن است موجب برخی ویژگیهای اقتصادی مشترک از نظر منابع، آب و هوا و غیره بین این کشورها

نیز باشد. در اکثر گروه‌بندی‌های اقتصادی، اعضا عمدتاً در یک منطقه جغرافیایی قرار دارند، ولی در تعداد زیادی از این گروه‌بندی‌ها نیز حداقل برخی از اعضا فاصله با دیگران دارند، به طوری که نمی‌توان فاصله جغرافیایی را پدیده غیرمتعارفی در گروه‌بندی‌ها دانست. عده‌ای استدلال کرده‌اند که فاصله جغرافیایی باعث پیچیده‌تر و مشکل‌تر شدن اداره یک گروه‌بندی منطقه‌ای می‌شود. این استدلال ممکن است در وهله اول قانع کننده به نظر برسد ولی روشن است که یک مانع مطلق نمی‌تواند باشد. حتی برخی کشورها نیز به وسیله آب با سایر کشورها دچار از هم گسیختگی شده‌اند و همه امپراتوری‌های استعماری که اولین اتحادیه‌های گمرکی بودند، دچار پراکندگی جغرافیایی بودند. بنابراین، اگرچه فاصله جغرافیایی تا حدودی باعث دشوارتر شدن کنترل و اداره یک منطقه می‌شود، ولی نمی‌توان آن را یک مسئله لاینحل تلقی نمود. تغییر شیوه‌ها و در نتیجه هزینه‌های حمل و نقل باعث تغییر اهمیت نزدیکی یا فاصله جغرافیایی و در نتیجه باعث تغییر اعضای مناسب برای یک گروه‌بندی منطقه‌ای می‌شود. سازمان جهانی تجارت بارزترین استثناء در مورد این قاعده است که تنها کشورهای همجوار، به آزادسازی و قانونمندی تجارت بین خود نمی‌پردازند. به هر حال، اگرچه تقریباً تمام گروه‌بندی‌های منطقه‌ای با معیار جغرافیایی درگیرند ولی تنها این معیار نیست که اعضای یک گروه‌بندی منطقه‌ای را مشخص می‌نماید.

مساحت کشورهای عضو (اصلی و ناظر) سازمان همکاری شانگهای روی هم بیش از ۳۷ میلیون کیلومتر مربع یا ۳۵ درصد از سطح خشکی‌های زمین است. این سازمان از لحاظ گستره جغرافیایی در مرکز قاره آسیا پراکنده شده است و البته مرکزیت اکثر واحدهای سیاسی عضو آن به شمال شرق خاورمیانه و مرکز آسیا تعلق دارد. در این گروه‌بندی منطقه‌ای، اعضا از نظر جغرافیایی به هم نزدیکند و هزینه‌های نسبی شیوه‌های گوناگون حمل و نقل (زمینی، آبی و هوایی) به مراتب پایین‌تر از سایر کشورهاست. کاهش هزینه حمل و نقل در مقایسه با هزینه‌های دیگر باعث کاهش هزینه گسترش این گروه‌بندی منطقه‌ای می‌شود و از این منظر اعضای سازمان به سبب نزدیکی جغرافیایی از یک مزیت طبیعی برخوردارند. به این ترتیب در حقیقت اعضای آن از حیث جغرافیایی نزدیک به هم و در واقع جزء شرکای تجاری طبیعی یکدیگرند.

ب: اندازه جمعیت، رشد و سهم از جمعیت جهان

اندازه جمعیت از عوامل مهم در بررسی گروه‌بندی‌های منطقه‌ای است، چرا که با این پشتوانه قدرتی که برای کشورها به‌وجود می‌آید، در روابط قدرت و سازش منافع اعضای گروه‌بندی‌های منطقه‌ای نقش مهمی ایفا می‌کند. بر این اساس، اندازه جمعیت اعضای این گروه‌بندی‌ها اشکال مختلفی به آنها می‌دهد: گاه یک کشور از نظر جمعیتی کاملاً مسلط است و گاه وزن کشور مسلط به‌وسیله مجموع وزن سایر اعضا خنثی می‌شود. با این حال، وزن کشورها را نباید فقط با جمعیت آنها ارزیابی کرد بلکه باید به درآمد آنها نیز توجه ویژه کرد. یک مساله مهم دیگر اندازه کل جمعیت گروه‌بندی منطقه‌ای است، چرا که جمعیت یک گروه‌بندی روی ساختار و پایداری آن، و وزن و نقش آن در سطح بین‌المللی تأثیر می‌گذارد.

جدول شماره ۱: اندازه جمعیت، رشد و سهم از جمعیت جهان در کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای*

شرح	جمعیت و سهم جهانی آن (میلیون نفر و درصد)			درصد جمعیت شهری به کل			نرخ رشد جمعیت		
	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۷	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۷	۹۵-۰۰	۰۰-۰۵	۰۵-۰۱
چین	(۲۱/۳) ۱۱۲۸/۸	(۱۹/۲) ۱۲۴۷/۸	(۱۹/۶) ۱۳۰۵/۷	۲۷/۹	۳۶/۴	۴۳/۰	۰/۹۱	۰/۶۷	۰/۵۸
روسیه	(۲/۸) ۱۴۷/۴	(۲/۲) ۱۴۴/۰	(۲/۱) ۱۴۲/۵	۷۳/۳	۷۳/۰	۷۲/۸	-۰/۲۳	-۰/۴۸	-۰/۵۱
قزاقستان	(۰/۲۸) ۱۵/۰	(۰/۲۳) ۱۵/۲	(۰/۲۳) ۱۵/۴	۵۶/۳	۵۷/۳	۵۷/۸	-۱/۲۵	۰/۳۴	۰/۷۱
قرقیزستان	(۰/۰۹) ۴/۹	(۰/۰۸) ۵/۲	(۰/۰۸) ۵/۳	۳۵/۴	۳۵/۸	۳۶/۱	۱/۴۹	۱/۰۱	۱/۱۰
تاجیکستان	(۰/۱۲) ۶/۲	(۰/۱۰) ۶/۶	(۰/۱) ۶/۷	۲۵/۹	۲۴/۷	۲۴/۴	۱/۳۴	۱/۱۹	۱/۵۱
ازبکستان	(۰/۴۷) ۲۴/۷	(۰/۴۱) ۲۶/۶	(۰/۴۱) ۲۷/۴	۳۷/۳	۳۶/۷	۳۶/۷	۱/۵۲	۱/۴۶	۱/۴۴
جمع اعضا	(۲۵/۰۶) ۱۳۲۷	(۲۲/۲) ۱۴۴۵/۴	(۲۲/۵) ۱۵۰۳/۰	-	-	-	-	-	-
هند	(۱۶/۲) ۸۶۰/۲	(۱۶/۱) ۱۰۴۶/۲	(۱۷/۵) ۱۱۶۹/۰	۲۵/۵	۲۷/۷	۲۹/۲	۱/۸۴	۱/۶۲	۱/۴۶
پاکستان	(۲/۱۳) ۱۱۳/۰	(۲/۲) ۱۴۴/۴	(۲/۵) ۱۶۳/۹	۳۰/۶	۳۳/۱	۳۵/۷	۲/۴۴	۱/۸۲	۱/۸۴
ایران	(۱/۰۷) ۵۶/۷	(۱/۰۱) ۶۶/۱	(۱/۱) ۷۱/۲	۵۶/۳	۶۴/۲	۶۸/۰	۱/۲۲	۰/۹۷	۱/۳۵
مغولستان	(۰/۰۴) ۲/۲	(۰/۰۴) ۲/۵	(۰/۰۴) ۲/۶	۵۷/۰	۵۶/۶	۵۶/۹	۰/۶۶	۰/۸۸	۰/۹۶
جمع اعضای ناظر	(۱۹/۵) ۱۰۳۲/۱	(۱۹/۳) ۱۲۵۹/۲	(۲۱/۱) ۱۴۰۶/۷	-	-	-	-	-	-
جمع کل	(۴۴/۶) ۲۳۵۹/۱	(۴۱/۵) ۲۷۰۴/۶	(۴۳/۶۱) ۲۹۰۹/۷	-	-	-	-	-	-
جهان	(۱۰۰) ۵۲۹۴/۹	(۱۰۰) ۶۵۱۴/۸	(۱۰۰) ۶۶۷۱/۲	۴۳/۰	۴۶/۸	۴۹/۶	۱/۳۷	۱/۲۴	۱/۱۷

SOURCE: UNCTAD, HANDBOOK OF STATISTICS, 2008, PP: 430-466

*توضیح: برای کشورهای اتحاد شوروی سابق عضو سازمان همکاری شانگهای به جای دوره ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ دو سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ استفاده شده است.

کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای با دارا بودن جمعیت بالغ بر ۲.۹ میلیارد نفر ۴۳.۶۲ درصد از جمعیت جهانی را در خود جا داده است و از جنبه اندازه جمعیت اولین بازیگر منطقه‌ای در جهان است و وزن مسلط در میان دیگر ترتیبات منطقه‌ای دارد. در میان اعضا، بالاترین جمعیت به چین تعلق دارد که این کشور ۱۹.۵۷ درصد از جمعیت جهان و ۴۴.۸۷ درصد جمعیت این سازمان را در سال ۲۰۰۷ در خود جای داده است. بعد از چین، هند، پاکستان و روسیه قرار دارند. این چهار کشور در مجموع ۲.۷۸ میلیارد نفر ۹۵.۵۸ درصد

جمعیت سازمان را در سال ۲۰۰۷ در خود جای داده است. با عنایت به رشد بطئی جمعیت چین و رشد منفی آن برای روسیه، سهم جمعیت آن دو از جمعیت سازمان و جهان رو به کاهش و سهم پاکستان و هند رو به فزونی گذاشته است. البته هیچ وقت نبایستی وزن کشورها یا ترتیبات منطقه‌ای را تنها با جمعیت آن ارزیابی کرد، بلکه این معیار در کنار قدرت اقتصادی و اندازه تولید ناخالص ملی مفهوم می‌یابد که در ادامه، ارائه می‌شود.

۳- شاخص آزادی اقتصادی

طی دهه گذشته بسیاری از کشورهای جهان از جهانی شدن اقتصاد متأثر شده‌اند. فراگیری توسعه تجارت بین‌الملل به‌گونه‌ای اتفاق افتاده که گسترش رقابت بین‌المللی بین کشورهای صنعتی از یک سو و بین کشورهای صنعتی و اقتصادهای آسیایی تازه صنعتی شده^۱ از دیگر سو به دنبال داشته است. جهانی شدن در سلیقه‌ها، سرمایه‌گذاری و تجارت بین‌الملل و حتی در بازار نیروی کار اثر گذاشته و رقابت بین‌الملل را گسترش داده است. بر مبنای بررسی‌هایی که بنیاد «هری تیچ» در زمینه آزادی اقتصادی برای کشورهای جهان (۱۷۹ کشور) در سال ۲۰۰۹ انجام داده، موقعیت کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای مشخص شده است.^۲ شایان توجه است که رتبه‌های آزادی اقتصادی می‌تواند به‌عنوان یک عامل رقابت بین‌الملل مطرح گردد. در واقع موقعیت کشورهای مورد بررسی در بین ۱۷۹ کشور جهان از نظر آزادی اقتصادی برای سال ۲۰۰۹ در جدول شماره ۲ انعکاس یافته است. این جدول، شاخص آزادی اقتصادی (امتیاز کل و رتبه) و اجزای ۱۰ گانه آن و تغییر آن نسبت به سال قبل را برای اعضای سازمان در ۲۰۰۹ نشان می‌دهد. با دقت در اطلاعات آن جدول نتیجه می‌شود که:

اول، در میان این ۱۰ کشور، مغولستان با کسب رتبه ۶۹ در بین ۱۷۹ کشور جهان، در صدر

1. New Industries Economics (NIEs)

۲- مطابق نتایج به دست آمده در سال ۲۰۰۹، هنگ‌کنگ با امتیاز کل ۹۰.۰ رتبه یک جهان را از لحاظ شاخص آزادی اقتصادی احراز کرده است و سنگاپور، استرالیا، ایرلند، نیوزیلند، آمریکا، کانادا، دانمارک، سوئیس و انگلیس در رتبه دوم تا دهم از این نظر قرار دارند.

کشورهای عضو سازمان قرار گرفته است، درحالی که ایران با کسب رتبه ۱۶۸ در بین کشورهای جهان در انتهای رتبه‌بندی کشورهای سازمان همکاری شانگهای واقع شده است و لذا ایران در موقعیت کاملاً ضعیفی از لحاظ آزادی اقتصادی (حتی در بین این کشورها) به سر می‌برد. بعد از مغولستان بالاترین شاخص آزادی اقتصادی از آن قرقیزستان، قزاقستان، پاکستان و تاجیکستان است، حال پائین‌ترین شاخص آزادی اقتصادی قبل از ایران از آن ازبکستان، روسیه، چین و هند است.

جدول شماره ۲: شاخص آزادی اقتصادی و نماگرهای آن برای کشورهای سازمان شانگهای در سال ۲۰۰۹

رتبه کشورها و (رتبه جهانی)	امتیاز کل	تغییر از ۲۰۰۸	کسب و کار	تجاری	مالی	اندازه دولت	پولی	سرمایه‌گذاری	مالیه	حقوق مالکیت	فساد	نیروی کار
۷. چین (۱۳۲)	۵۳.۲	+۰.۱	۵۱.۶	۷۱.۴	۷۰.۶	۸۸.۹	۷۲.۹	۳۰.۰	۳۰.۰	۲۰.۰	۳۵.۰	۶۱.۸
۸. روسیه (۱۴۶)	۵۰.۸	+۱.۰	۵۴.۰	۶۰.۸	۷۸.۹	۷۰.۶	۶۵.۵	۳۰.۰	۴۰.۰	۲۵.۰	۲۳.۰	۶۰.۰
۳. قزاقستان (۸۳)	۶۰.۱	-۱.۰	۵۷.۹	۸۶.۲	۸۲.۸	۸۷.۵	۷۰.۰	۳۰.۰	۶۰.۰	۲۵.۰	۲۱.۰	۸۰.۵
۲. قرقیزستان (۷۴)	۶۱.۸	+۰.۷	۷۵.۳	۸۷.۶	۹۳.۴	۷۴.۹	۷۱.۵	۵۰.۰	۵۰.۰	۲۵.۰	۲۱.۰	۶۹.۵
۵. تاجیکستان (۱۲۲)	۵۴.۶	+۰.۲	۴۵.۱	۸۲.۶	۸۹.۳	۸۵.۹	۶۳.۲	۳۰.۰	۴۰.۰	۳۰.۰	۲۱.۰	۵۸.۷
۹. ازبکستان (۱۴۸)	۵۰.۵	-۱.۴	۶۸.۴	۶۵.۴	۸۱.۳	۶۸.۱	۶۲.۶	۳۰.۰	۲۰.۰	۲۰.۰	۱۷.۰	۶۴.۹
۶. هند (۱۲۳)	۵۴.۴	+۰.۳	۵۴.۴	۵۱.۰	۷۳.۸	۷۷.۸	۶۹.۳	۳۰.۰	۴۰.۰	۵۰.۰	۳۵.۰	۶۲.۳
۴. پاکستان (۱۰۲)	۵۷.۰	+۱.۴	۷۲.۵	۶۵.۶	۸۰.۴	۹۰.۷	۷۲.۲	۴۰.۰	۴۰.۰	۳۰.۰	۲۴.۰	۵۴.۵
۱۰. ایران (۱۶۸)	۴۴.۶	-۰.۴	۶۰.۶	۵۷.۴	۸۱.۰	۷۹.۷	۶۰.۱	۱۰.۰	۱۰.۰	۱۰.۰	۲۵.۰	۵۲.۴
۱. مغولستان (۶۹)	۶۲.۸	-۰.۸	۷۱.۰	۸۱.۲	۸۱.۳	۶۹.۹	۷۶.۷	۶۰.۰	۶۰.۰	۳۰.۰	۳۰.۰	۶۷.۷

Source: Heritage foundation, 2009 (www.heritage.org)

دوم، در این بین برخی از این کشورها از اقتصاد باز و کوچک نظیر مغولستان، قرقیزستان، قزاقستان و تاجیکستان از شاخص آزادی اقتصادی مناسبی برخوردار هستند. در مقابل کشورهایی نظیر چین، هند و روسیه به سبب اقتصاد نسبتاً بزرگ و استفاده از مقررات کنترل اقتصادی، سیاست تجاری شاخص آزادی اقتصادی بالایی را احراز کرده‌اند. با این وجود، این کشورها متناسب با شرایط اقتصادی خود از پتانسیل مناسب برای حضور مجدد و قوی‌تر در عرصه بین‌الملل برخوردارند. براساس معیار آزادی اقتصادی، هرچه کشوری از قدرت بین‌المللی بالاتری در عرصه اقتصاد بین‌الملل در جهان برخوردار باشد، امکان و توانایی بالاتری جهت عضویت در اقتصاد منطقه‌ای داراست.

سوم، در بین ۱۰ کشور، شاخص آزادی اقتصادی ۶ کشور چین، روسیه، قرقیزستان، تاجیکستان، هند و پاکستان نسبت به سال ۲۰۰۸ رو به بهبود، و بقیه ۴ کشور قزاقستان، ازبکستان، مغولستان و بویژه ایران رو به وخامت گذارده است.

چهارم، ۱۰ مؤلفه تشکیل‌دهنده شاخص آزادی اقتصادی و بهترین و بدترین وضعیت کشورها عبارتند از: ۱- آزادی کسب و کار: بهترین قرقیزستان (۷۵.۳) و بدترین تاجیکستان (۴۵.۱)؛ ۲- آزادی تجاری: بهترین قرقیزستان (۸۷.۶) و بدترین هند (۵۱.۰)؛ ۳- آزادی مالی: بهترین قرقیزستان (۹۳.۴) و بدترین چین (۷۰.۶)؛ ۴- اندازه دولت: بهترین پاکستان (۹۰.۷) و بدترین ازبکستان (۶۸.۱)؛ ۵- آزادی پولی: بهترین قرقیزستان (۷۵.۳) و بدترین تاجیکستان (۴۵.۱)؛ ۶- آزادی سرمایه‌گذاری: بهترین مغولستان (۶۰) و بدترین ایران (۱۰)؛ ۷- آزادی تأمین مالی: بهترین مغولستان (۶۰) و بدترین ایران (۱۰)؛ ۸- حقوق مالکیت: بهترین هند

1. Business Freedom
2. Trade Freedom
3. Fiscal Freedom
4. Government Size
5. Monetary Freedom
6. Investment Freedom
7. Financial Freedom
8. Property Rights

(۵۰) و بدترین ایران (۱۰)؛ ۹- فقدان فساد^۱: بهترین هند و چین (۳۵) و بدترین ازبکستان (۱۷) و ۱۰- آزادی نیروی کار^۲: بهترین قزاقستان (۸۰.۵) و بدترین ایران (۵۲.۴).

پنجم، خاطر نشان می‌سازد در این بین، ایران پائین‌ترین شاخص آزادی اقتصادی در جهان (رتبه ۱۶۸) و در بین ۱۰ کشور مورد مطالعه (رتبه ۱۰) را دارد. مضافاً این که شاخص آزادی اقتصادی ایران در سال ۲۰۰۹ نسبت به سال قبل بدتر نیز شده است. با دقت در ۱۰ مؤلفه شاخص آزادی اقتصادی نتیجه می‌شود ایران در بسیاری از اجزای شاخص آزادی اقتصادی از جمله سرمایه‌گذاری، حقوق مالکیت، مالیه بین‌الملل و نیروی کار بدترین وضعیت را در بین ۱۰ کشور مورد مطالعه را داراست.

۴- شاخص‌های اقتصادی کشورهای عضو سازمان شانگهای

الف: اندازه اقتصاد

ساده‌ترین شاخصی که می‌توان به‌عنوان معیاری برای امکان‌سنجی ادغام بین گروهی از کشورها مورد استفاده قرار داد، اندازه تولید ناخالص ملی کشورها است. وقتی کشورها از نظر اندازه تولید ناخالص داخلی به هم نزدیکتر باشند، امکان تجارت بین آنها افزایش می‌یابد^۳ (هلپمن، ۱۹۸۷). برای نمونه، اگر یک دنیای سه کشوری را در نظر بگیریم و مجموع تولید ناخالص داخلی سه کشور ۱۲۰ باشد، و تولید ناخالص داخلی کشورها به ترتیب ۱۰، ۱۰ و ۱۰۰ فرض شود، پس حداکثر مقدار صادرات در این دنیا ۴۰ خواهد بود، یعنی وقتی که کشورهای کوچک تمام تولید ناخالص داخلی را صادر، و مقدار مساوی وارد نمایند. اما اگر تولید ناخالص داخلی هر کشور ۴۰ باشد، حداکثر میزان صادرات در این سه کشور ۱۲۰ خواهد بود. پس وقتی کشورها از نظر اندازه اقتصادی به هم نزدیکند، واردات تولیدات متنوع‌تر بیشتر است. نتایج تجربی این معیار برای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی مورد تأیید است. از نظر تولید

1. Freedom from Corruption
2. Labor Freedom
3. Helpman, 1987

ناخالص داخلی، شاخص توسعه انسانی و تولید کل، در درون و میان گروه‌بندی‌های منطقه‌ای تفاوت و تنوع زیادی وجود دارد، ولی این تفاوت در مورد درآمد سرانه نسبتاً کمتر است. برای ارزیابی اهمیت یک گروه‌بندی منطقه‌ای در اقتصاد جهانی و برای اعضای آن گروه‌بندی، هر دو معیار جمعیت و تولید را باید در نظر گرفت. حتی وقتی که یک گروه‌بندی منطقه‌ای کوچک است، آیا آن قدر بزرگتر از اعضای خود است که همکاری دسته‌جمعی باعث افزایش چشمگیر قدرت آنها شود؟ بدین ترتیب اندازه این گروه‌بندی نسبت به اعضای آن نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

در جدول شماره ۳، تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو و ناظر به دلار آمریکا برابری قدرت خرید برای سال‌های ۱۹۸۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۷ درج شده است. مطابق آن، کل تولید ناخالص داخلی سازمان شانگهای در سال ۲۰۰۷، ۶۳۱۳.۱ میلیارد دلار آمریکا معادل ۱۱.۶۳ درصد تولید ناخالص جهانی در سال ۲۰۰۷ بوده است که کل تولید ناخالص داخلی سازمان شانگهای در مقایسه با جمعیت جهانی به مراتب پائین‌تر است. البته تولید ناخالص داخلی سازمان شانگهای از ۲۱۳۸.۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۶۳۱۳.۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ نرخ رشد دو رقمی ۱۶.۷۳ درصد را تجربه کرده است و به این ترتیب سهم تولید ناخالص داخلی سازمان شانگهای از کل تولید ناخالص جهان از ۶.۷۱ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۱۱.۶۳ درصد در سال ۲۰۰۷ ارتقاء یافته است. در این بین، کشور چین هم از جنبه اندازه اقتصاد و هم از جنبه رشد اقتصادی رکورددار بوده است. اندازه تولید ناخالص داخلی چین از ۱۱۹۲.۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۳۲۸۶.۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷، به‌طور متوسط نرخ رشد سالانه ۱۵.۵۸ درصد را در طی این سالها تجربه کرده است. بعد از چین، دو کشور روسیه و هند نیز کارنامه کاملاً درخشانی را تجربه کرده‌اند. تولید ناخالص داخلی روسیه و هند از ۲۵۹.۷ و ۴۶۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۱۲۸۴.۷ و ۱۱۳۶.۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ رسیده که نرخ رشد سالانه ۲۵.۶۶ و ۱۳.۴۸ درصد را تجربه کرده است. این سه کشور (چین، روسیه و هند) هر کدام با بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی، در مجموع ۵۷۰۸.۵ میلیارد دلار و بیش از ۹۰ درصد (۹۰.۴۲ درصد) از کل تولید ناخالص داخلی این سازمان را

تشکیل می‌دهند. در مقابل دو کشور قرقیزستان و تاجیکستان از اعضای سازمان شانگهای با وجود رشد تولید ناخالص سالانه بالا، با تولید ناخالص داخلی کمتر از ۵ میلیارد دلار برخوردار بوده‌اند که از نظر تولید ناخالص داخلی، این دو کشور به‌عنوان بازیگران مهم و اثرگذار، هیچ جایگاهی در این سازمان ندارند.

ایران از لحاظ اندازه تولید ناخالص داخلی در بین ۱۰ کشور عضو و ناظر سازمان شانگهای بعد از سه کشور چین، روسیه و هند رتبه چهارم را در سال ۲۰۰۷ احراز کرده است. تولید ناخالص داخلی ایران از ۱۰۲.۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۳۱۴.۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ با نرخ رشد سالانه ۱۷.۲۹ درصد را شاهد بوده است. سهم تولید ناخالص داخلی ایران از سازمان شانگهای از ۴.۸۱ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۴.۹۸ درصد در سال ۲۰۰۷ تغییر چندانی نکرده است. در واقع، کشورهای مذکور از نظر مشابهت اندازه تولید ناخالص داخلی وضعیت نامتوازن و ناهمگونی دارند.

جدول شماره ۳: عملکرد اقتصادی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای واحدها به دلار برحسب برابری قدرت خرید*

شرح	GDP (میلیارد دلار)			نرخ رشد سالانه GDP (درصد)			نرخ رشد سالانه GDP (درصد)			سهم از جهان (درصد)		
	۲۰۰۷	۲۰۰۰	۱۹۸۰	۲۰۰۷	۰۰-۰۵	۸۰-۰۵	۲۰۰۷	۰۰-۰۵	۸۰-۰۵	۲۰۰۷	۲۰۰۰	۱۹۸۰
چین	۳۲۸۶/۹	۱۱۹۲/۸	۳۰۶/۵	۱۱/۴	۹/۶	۹/۹	۱۱/۴	۹/۶	۹/۹	۶/۰۶	۳/۷۵	۱۰/۷
روسیه	-	۲۵۹/۷	-	۴/۴	۶/۲	۴/۴	۸/۱	۶/۲	۴/۴	۲/۳۷	۱/۱۳	۸/۶
قزاقستان	-	۱۸/۳	-	۶/۹	۱۰/۱	۶/۹	۸/۵	۱۰/۱	۶/۹	۰/۱۷	۰/۰۶	۷/۷
قرقیزستان	-	۱/۴	-	-۰/۵	۴/۱	-۰/۵	۸/۲	۴/۱	-۰/۵	۰/۰۰۷	۰/۰۰۴	۷/۰
تاجیکستان	-	۰/۹	-	۶/۴	۱۰/۰	۶/۴	۷/۸	۱۰/۰	۶/۴	۰/۰۰۶	۰/۰۰۳	۹/۰
ازبکستان	-	۱۳/۸	-	۴/۶	۵/۵	۴/۶	۹/۵	۵/۵	۴/۶	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	۷/۹
جمع اعضا	۴۶۹۰/۹	۱۴۸۶/۹	-	-	-	-	-	-	-	۸/۶۴	۴/۶۷	-
هند	۱۱۳۶/۹	۴۶۹	۱۸۵/۴	۹/۷	۶/۹	۵/۸	۹/۷	۶/۹	۵/۸	۲/۰۹	۱/۴۷	۸/۱
پاکستان	۱۶۷/۳	۷۸/۵	۳۴/۲	۶/۵	۶/۰	۴/۶	۶/۵	۶/۰	۴/۶	۰/۳۱	۰/۲۵	۴/۶
ایران	۳۱۴/۳	۱۰۲/۹	۹۱/۳	۵/۶	۵/۶	۳/۳	۵/۶	۵/۶	۳/۳	۰/۵۸	۰/۳۲	۴/۲
مغولستان	۳/۷	۰/۹	۰/۵	۹/۹	۶/۱	۲/۰	۹/۹	۶/۱	۲/۰	۰/۰۰۷	۰/۰۰۳	۸/۹
جمع اعضای ناظر	۱۶۲۲/۲	۶۵۱/۳	-	-	-	-	-	-	-	۲/۹۹	۲/۰۴	-
جمع کل	۶۳۱۳/۱	۲۱۳۸/۲	-	-	-	-	-	-	-	۱۱/۶۳	۶/۷۱	-
جهان	۵۴۲۷۳/۹	۳۱۸۵۰/۳	۱۱۹۲۱/۹	۲/۸	۲/۸	۲/۸	۳/۸	۲/۸	۲/۸	۱۰۰	۱۰۰	۲/۷

SOURCE: UNCTAD, HANDBOOK OF STATISTICS, 2008, PP: 388-402

* توضیح: برای کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق عضو سازمان همکاری شانگهای به جای دوره ۸۰-۰۵ دوره ۹۵-۰۵ استفاده شده است.

ب: درآمد سرانه کشورها

درآمد سرانه می‌تواند معیار مناسبی برای مقایسه اوضاع اقتصادی کشورهای مختلف با یکدیگر باشد و لیکن این معیار، به‌طور مطلق حاکی از توسعه‌یافتگی و پیشرفت اقتصادی یک کشور نیست؛ چرا که باید عوامل دیگری مانند سطح و هزینه زندگی و نحوه توزیع درآمدها، نیازها و مشکلات هر کشور، تمایلات عادات مصرفی، ضریب پسرانداز و سرمایه‌گذاری را در نظر

گرفت. رعایت این ضوابط تا حدودی درآمد سرانه را به واقعیات اقتصادی کشور نزدیکتر می‌کند و موضوع مقایسه را منطقی‌تر می‌سازد. تولید ناخالص داخلی سرانه به دلار آمریکا با روش برابری قدرت خرید برای ۱۰ کشور مورد مطالعه در جدول شماره ۳ ارائه شده است. مطابق اطلاعات آماری ارائه شده، در سال ۲۰۰۷ بالاترین تولید سرانه از آن روسیه (۹۰۱۶ دلار) و قزاقستان (۶۰۶۹ دلار) با بیش از ۵ هزار دلار است و حال کمترین تولید سرانه به چهار کشور تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان و هند با کمتر از ۱۰۰۰ دلار، تعلق دارد.

در این میان، چین با وجود احراز رتبه اول در اندازه اقتصاد این سازمان، با تولید سرانه ۲۵۱۷ دلار در رتبه چهارم در میان ۱۰ کشور مورد مطالعه قرار دارد. البته این کشور توانسته است تولید سرانه را از ۳۱۲ دلار در سال ۱۹۸۰ به ۹۵۶ و ۲۵۱۷ دلار در دو سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۷ بهبود دهد که کمتر کشوری در جهان این رشد طلایی بلندمدت را شاهد بوده است. در این بین، ایران از لحاظ تولید سرانه با ۴۴۱۴ دلار رتبه سوم را در میان ۱۰ کشور مورد مطالعه احراز کرده است. تولید سرانه ایران از ۲۳۲۱ دلار در سال ۱۹۸۰ به ۱۵۵۷ دلار در سال ۲۰۰۰ رو به کاهش و دوباره به ۴۴۱۴ دلار در سال ۲۰۰۷ بهبود یافته است. بر مبنای این شاخص، هرچه کشوری با تولید سرانه بالاتر مواجه باشد، از قدرت اقتصادی بالاتری برخوردار بوده و در ترتیبات منطقه‌ای با کشورهای دارای قدرت اقتصادی بالاتر بهتر می‌تواند همکاری نماید.

مطابق این اطلاعات، نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی و سرانه تولید ناخالص داخلی این کشورها طی سالهای ۲۰۰۰-۲۰۰۷ عملکرد مطلوب و مناسبی را تجربه کرده‌اند. در ستون آخر جدول، سهم یکایک کشورها از تولید ناخالص جهانی درج شده است. مطابق آن اطلاعات آماری، اغلب کشورها از جمله چین، روسیه، قزاقستان، هند، ایران و پاکستان از لحاظ سهم از تولید ناخالص جهانی وضعیت رو به بهبودی داشته‌اند. در واقع، اطلاعات گویای آن است در سالهای اخیر اغلب آنها در مقایسه با دیگر کشورهای جهان نسبت به سال ۲۰۰۰ از افزایش تولید سرانه بهره‌مند شده است.

۵- ساختار اقتصادی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای

جدول شماره ۴، ساختار اقتصادی کشورهای عضو سازمان شانگهای را از دو جنبه نوع هزینه و نوع فعالیت طی سالهای ۱۹۹۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ نشان می‌دهد. نوع هزینه مشتمل بر مصرف نهایی (اعم از دولتی و خانوارها)، تشکیل سرمایه ناخالص و بخش خارجی اقتصاد (صادرات و واردات) و نوع فعالیت (شامل کشاورزی، کل صنعت از جمله کالاهای صنعتی ساخته شده و خدمات) است. با نگاهی اجمالی به این جدول، مشخص می‌شود که این کشورها از ساختار اقتصادی متفاوت و با سطوح توسعه اقتصادی ناهمگونی مواجه هستند. این تفاوتها در عین حال که می‌تواند جنبه مثبت داشته باشند، محدودیتهایی را نیز در توسعه روابط اقتصادی و تجاری ایجاد می‌نمایند.

الف: ساختار اقتصادی بر حسب نوع هزینه کشورهای عضو

مطابق دو ستون مرتبط با مصرف نهایی اعم از دولتی و خانوارها، در سال ۲۰۰۶ در میان ۱۰ کشور مورد مطالعه بالاترین مصرف نهایی دولتی از آن مغولستان (۲۸.۸ درصد)، روسیه (۱۷.۵ درصد)، قرقیزستان (۱۸.۹) و ازبکستان (۱۷ درصد) هرکدام با بیش از ۱۵ درصد تعلق داشته است، در حالی که کمترین مصرف نهایی با کمتر از ۱۰ درصد مصرف نهایی دولتی از آن پاکستان (۶.۴) و قزاقستان (۹.۹) بوده است. از آنجا که متوسط مصرف نهایی دولتی در جهان برابر با ۱۷.۲ درصد است، لذا وضعیت این کشورها از لحاظ این شاخص چندان نیز نامطلوب نیست. بدین ترتیب دولتی‌ترین اقتصادهای عضو سازمان شانگهای مغولستان و روسیه است و در پاکستان و قزاقستان نیز دولت کمترین سهم را از تولید ناخالص داخلی دارد. در این بین ایران و چین به ترتیب با ۱۱.۷ و ۱۴.۷ درصد سهم مصرف نهایی دولتی کمتر از ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی آنها است^۱.

۱. براساس گزارش سالانه کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد) در سال ۲۰۰۸، مصرف نهایی دولتی ایران مطابق گزارش‌های رسمی ارایه شده به آن سازمان در ایران ۱۱/۷ درصد از تولید ناخالص داخلی است. البته شواهد و قرائین نشان می‌دهد مصرف نهایی دولت به مراتب بیشتر از این رقم می‌باشد.

در سال ۲۰۰۶ در میان ۱۰ کشور مورد مطالعه مصرف نهایی خانوارها بخش مهمی از تولید ناخالص داخلی اغلب کشورها را تشکیل می‌دهد که اغلب بیش از ۵۰ درصد بوده است. در این بین بالاترین مصرف نهایی خانوارها از آن قرقیزستان (۹۷.۱ درصد)، پاکستان (۸۲.۰ درصد) و تاجیکستان (۷۷.۹ درصد) با بیش از ۷۵ درصد بوده است که در واقع گویای آن است کشورهای فقیر عضو سازمان قسمت اعظم تولید ناخالص داخلی را به مصرف نهایی خانوارها اختصاص داده‌اند. البته در این بین کمترین مصرف نهایی خانوارها از تولید ناخالص داخلی از آن مغولستان (۲۸.۸ درصد)، چین (۳۶.۳ درصد)، ایران (۴۵.۹ درصد)، روسیه (۴۸.۷ درصد) و قزاقستان (۴۹ درصد) با کمتر از ۵۰ درصد بوده است. در واقع اقتصادهایی که تولید سرانه بالاتر و نیز توزیع نامتعادل‌تری دارند، سهم مصرف نهایی خانوارها از تولید ناخالص داخلی نسبتاً کمتر از اقتصادهای با تولید سرانه پائین‌تر و توزیع متعادل‌تر است.

ستون ۵ جدول شماره ۴، سهم تشکیل سرمایه ناخالص از تولید ناخالص داخلی ۱۰ کشور مورد مطالعه طی سالهای ۱۹۹۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ را منعکس می‌کند. در سال ۲۰۰۶، بالاترین میزان تشکیل سرمایه ناخالص از تولید ناخالص داخلی از آن چین (۴۲.۹ درصد)، مغولستان (۴۰.۷ درصد)، هند (۳۲.۲ درصد) و قزاقستان (۳۰.۷ درصد) با بیش از ۳۰ درصد از تولید ناخالص داخلی و کمترین تشکیل سرمایه ناخالص از تولید ناخالص داخلی از آن تاجیکستان (۱۱.۳ درصد)، روسیه (۲۰.۲ درصد)، پاکستان (۲۰.۵ درصد) و قرقیزستان (۲۱.۱ درصد) با کمتر از ۲۲ درصد بوده است. بدین ترتیب اقتصادهایی که رشد اقتصادی بالاتر را تجربه کرده‌اند، از بالاترین سهم تشکیل سرمایه ناخالص از تولید ناخالص داخلی نیز مواجه بوده‌اند، در مقابل اقتصادهای فقیر (تولید سرانه پائین) و با سهم نازل تشکیل سرمایه ناخالص از تولید ناخالص داخلی، کمتر شاهد رشد اقتصادی بالا بوده‌اند.

دو ستون ۶ و ۷ جدول مذکور وضعیت بخش تجارت خارجی از تولید ناخالص داخلی یکایک این کشورها در طی سالهای ۱۹۹۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ را نشان می‌دهد. با دقت در آن اطلاعات نتیجه می‌شود که در سال ۲۰۰۶ بالاترین سهم بخش خارجی اقتصاد (واردات یا صادرات) از تولید ناخالص داخلی از آن مغولستان با ۸۰.۸ و ۷۷.۹ درصد و پائین‌ترین سهم از

آن پاکستان و ایران بوده است. البته انتظار می‌رود هرچه اندازه اقتصاد کشوری بزرگ باشد، بخش مهمی از نیازمندیها را از داخل تأمین نماید و لذا سهم بخش خارجی اقتصاد پائین‌تر باشد (اقتصاد درونگرا) از جمله چین و هند. در مقابل، هرچه اندازه اقتصاد کشوری کوچک باشد، بخش مهمی از نیازمندیها را از خارج تأمین نماید و لذا سهم بخش خارجی اقتصاد بالاتر است (اقتصاد باز). در این بین، چین کارنامه بسیار درخشانی در باز کردن اقتصاد در طی دو مقطع ۱۹۹۰ و ۲۰۰۶ تجربه کرده است. سهم صادرات و واردات از تولید ناخالص داخلی چین از ۱۸.۴ و ۱۵ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۴۰.۷ و ۳۲.۹ درصد در سال ۲۰۰۶ افزایش یافته و بیش از دو برابر اقتصاد آن کشور باز شده است. این شرایط در مورد هند نیز کاملاً موضوعیت دارد. چه بسا یکی از دلایل رشد اقتصادی دو رقیب این دو کشور - چین و هند - متأثر از باز شدن این دو اقتصاد بزرگ عضو سازمان شانگهای بوده باشد. خاطر نشان می‌سازد در سال ۲۰۰۶ ۳۰.۸ و ۳۰.۳ درصد از تولید ناخالص جهانی صادر و وارد می‌شده است که این دو نسبت در سال ۱۹۹۰ به ترتیب ۲۰.۰ و ۲۰.۲ درصد بوده است که گویای آن است طی این دوره اقتصاد جهانی نیز بازتر شده است.

ب: ساختار اقتصادی بر حسب نوع فعالیت کشورهای عضو

ستون ۸ جدول شماره ۴ سهم ارزش افزوده کشاورزی از تولید ناخالص داخلی ۱۰ کشور مورد مطالعه را در سالهای ۱۹۹۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ نشان می‌دهد. با دقت در آن اطلاعات نتیجه می‌شود که در سال ۲۰۰۶ بالاترین سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی از آن ازبکستان (۳۰.۷ درصد) و قرقیزستان (۳۳.۰ درصد) با بیش از ۳۰ درصد، در مقابل کمترین سهم از ارزش افزوده بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی از آن روسیه (۴.۸ درصد) و قزاقستان (۷.۵ درصد) با کمتر از ۱۰ درصد بوده است. بدین ترتیب هرچه سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی بیشتر باشد آن اقتصاد در مراحل پائین‌تر گذار اقتصادی و توسعه‌یافتگی قرار دارد نظیر قرقیزستان و ازبکستان. در مقابل، هرچه سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی نازل‌تر و کم‌رنگ‌تر باشد، آن

اقتصاد در مراحل پیشرفته‌تر توسعه‌یافتگی است، نظیر روسیه و قزاقستان. در این بین دو کشور چین و ایران با سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی برابر با ۱۲.۸ درصد و ۱۰.۹ درصد در مراحل میانی گذار اقتصادی هستند. در سال ۲۰۰۶ تنها ۳.۹ درصد از تولید ناخالص جهان از آن بخش کشاورزی بوده است.

ستون ۹ و ۱۰ جدول مذکور سهم ارزش افزوده کل صنعت و کالاهای صنعتی (ساخته شده) از تولید ناخالص داخلی ۱۰ کشور مورد مطالعه را در سالهای ۱۹۹۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ نشان می‌دهد. با دقت در آن اطلاعات نتیجه می‌شود که در سال ۲۰۰۶ بالاترین سهم ارزش افزوده کل صنعت و کالاهای صنعتی (ساخته شده) از تولید ناخالص داخلی از آن چین به ترتیب با ۴۶.۶ و ۴۱.۱ درصد با بیش از ۴۰ درصد، در مقابل کمترین سهم از ارزش افزوده کل صنعت و کالاهای صنعتی (ساخته شده) از تولید ناخالص داخلی از آن قرقیزستان به ترتیب با ۲۰.۱ و ۱۲.۹ با کمتر از ۲۱ درصد بوده است. بدین ترتیب هرچه سهم ارزش افزوده کل صنعت و بویژه کالاهای صنعتی (ساخته شده) از تولید ناخالص داخلی بیشتر باشد آن اقتصاد در مراحل بالاتر از سطح توسعه‌یافتگی قرار دارد نظیر چین. در مقابل، هرچه سهم ارزش افزوده کل صنعت و بویژه کالاهای صنعتی (ساخته شده) از تولید ناخالص داخلی نازل‌تر و کم‌رنگ‌تر باشد، آن اقتصاد در مراحل پائین‌تر سطح توسعه‌یافتگی قرار دارد، نظیر قرقیزستان. در این بین کشور ایران با سهم ارزش افزوده کل صنعت و کالاهای صنعتی (ساخته شده) از تولید ناخالص داخلی برابر با ۴۱.۶ و ۱۱.۰ درصد در مراحل پائین‌تر گذار اقتصادی و سطح توسعه‌یافتگی قرار دارد؛ چراکه هرچند سهم کل صنعت از تولید ناخالص داخلی ایران بالاست ولیکن قسمت اعظم آن کالای ساخته شده نیست (۳۰.۶ درصد) و در واقع تنها یک‌چهارم از کل صنعت، کالای صنعتی ساخته شده است. خاطر نشان می‌سازد در سال ۲۰۰۶، ۲۹.۱ و ۱۸ درصد از تولید ناخالص جهان از آن ارزش‌افزوده کل صنعت و کالاهای صنعتی ساخته شده بوده است و در واقع با وجود آن که حدود ۳۰ درصد تولید ناخالص جهان ارزش‌افزوده کل صنعت است ولیکن حدود ۶۱.۸ درصد آن کالای صنعتی ساخته شده است و بقیه از آن بخش اولیه از جمله نفت است.

بالاخره، آخرین ستون جدول شماره ۴ سهم ارزش افزوده بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی ۱۰ کشور مورد مطالعه را در سالهای ۱۹۹۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ نشان می‌دهد. با دقت در آن اطلاعات نتیجه می‌شود که در سال ۲۰۰۶ بالاترین سهم ارزش افزوده بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی از آن روسیه (۵۶.۸ درصد)، قزاقستان (۵۴.۹ درصد)، هند (۵۳.۳ درصد)، پاکستان (۵۱.۷ درصد) و مغولستان (۵۲.۲ درصد) با بیش از ۵۰ درصد، در مقابل کمترین سهم از ارزش افزوده بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی از آن چین (۴۰.۷ درصد)، تاجیکستان (۴۱.۸ درصد) و ازبکستان (۴۳.۴ درصد) با کمتر از ۴۵ درصد بوده است. بدین ترتیب هرچه سهم ارزش افزوده بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی بیشتر باشد، آن اقتصاد در مراحل بالاتر سطح توسعه‌یافتگی قرار دارد نظیر روسیه و قزاقستان. در مقابل، هرچه سهم ارزش افزوده بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی نازل‌تر و کم‌رنگ‌تر باشد، آن اقتصاد در مراحل پائین‌تر سطح توسعه‌یافتگی قرار دارد، نظیر ازبکستان. البته در این بین اندازه اقتصاد کشور و جهت‌گیری توسعه آن نیز مهم است، چراکه در این بین چین با توجه به اندازه بزرگ اقتصاد یکایک بخش‌ها سهم متوازن‌تری دارند و نیز هند با توجه به فن‌آوری اطلاعات بخش خدمات پیوسته روبه فزونی گذارده است. در این بین کشور ایران با سهم ارزش افزوده بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی برابر با ۴۷.۵ در مراحل میانه گذار اقتصادی و سطح توسعه‌یافتگی قرار دارد. خاطر نشان می‌سازد در سال ۲۰۰۶ حدود ۶۷ درصد از تولید ناخالص جهان از آن ارزش افزوده بخش خدمات بوده است. در واقع بخش مسلط اقتصاد جهانی از آن خدمات است و بخش میانه از آن کل صنعت (۲۹.۱ درصد) و بخش کشاورزی نیز با ۳.۹ درصد کمترین جایگاه را در اقتصاد جهانی دارد.

جدول شماره ۴: ساختار اقتصادی کشورهای عضو سازمان شانگهای (واحد ارقام به درصد است)

شرح	تولید ناخالص داخلی بر حسب نوع فعالیت			تولید ناخالص داخلی بر حسب نوع هزینه					۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۶	
	خدمات	تولید کارخانه‌ای	کل صنعت	کشاورزی	واردات	صادرات	تشکیل سرمایه ناخالص	مصرف نهایی				
								خانوارها				دولتی
چین	۳۱/۸	۳۶/۷	۴۱/۳	۲۶/۹	۱۵	۱۸/۴	۳۴/۹	۴۸/۸	۱۳/۶	۱۹۹۰		
	۳۹/۳	۴۰/۴	۴۵/۹	۱۴/۸	۲۱/۰	۲۳/۴	۳۵/۳	۴۶/۴	۱۵/۹	۲۰۰۰		
	۴۰/۷	۴۱/۱	۴۶/۶	۱۲/۸	۳۲/۹	۴۰/۷	۴۲/۹	۳۶/۳	۱۴/۷	۲۰۰۶		
روسیه	۵۵/۵	۲۷/۹	۳۷/۰	۷/۶	۲۵/۹	۲۹/۳	۲۵/۴	۵۲/۱	۱۹/۱	۱۹۹۵		
	۵۵/۴	۳۱/۴	۳۷/۹	۶/۷	۲۴/۰	۴۴/۱	۱۸/۷	۴۶/۲	۱۵/۱	۲۰۰۰		
	۵۶/۸	۱۸/۹	۳۸/۴	۴/۸	۲۱/۲	۳۳/۹	۲۰/۲	۴۸/۷	۱۷/۵	۲۰۰۶		
قزاقستان	۵۶/۰	۲۴/۴	۳۱/۲	۱۲/۸	۴۳/۵	۳۹/۰	۲۳/۳	۷۱/۱	۱۳/۶	۱۹۹۵		
	۵۱/۳	۱۷/۵	۴۰/۱	۸/۶	۴۹/۱	۵۶/۶	۱۸/۱	۶۱/۹	۱۲/۱	۲۰۰۰		
	۵۴/۹	۱۳/۸	۳۷/۷	۷/۵	۴۲/۳	۵۳/۷	۳۰/۷	۴۹/۰	۹/۹	۲۰۰۶		
قرقیزستان	۳۶/۸	۱۳/۶	۲۰/۱	۴۳/۱	۴۲/۴	۲۹/۵	۱۸/۳	۷۵/۰	۱۹/۵	۱۹۹۵		
	۳۲/۱	۱۹/۴	۳۱/۳	۳۶/۶	۴۷/۶	۴۱/۸	۲۰/۰	۶۵/۷	۲۰/۰	۲۰۰۰		
	۴۶/۹	۱۲/۹	۲۰/۱	۳۳/۰	۷۶/۵	۳۹/۳	۲۱/۱	۹۷/۱	۱۸/۹	۲۰۰۶		
تاجیکستان	۲۷/۷	۳۳/۳	۳۶/۴	۳۵/۹	۱۲۱/۲	۱۱۲/۰	۲۸/۷	۶۰/۵	۱۰/۹	۱۹۹۵		
	۳۴/۳	۳۶/۱	۳۸/۴	۲۷/۳	۱۰۰/۲	۹۲/۴	۹/۴	۸۷/۷	۱۱/۶	۲۰۰۰		
	۴۱/۸	۲۹/۷	۳۴/۱	۲۴/۱	۷۲/۰	۵۹/۰	۱۱/۳	۷۷/۹	۱۲/۹	۲۰۰۶		
ازبکستان	۴۰/۵	۲۰/۲	۲۸/۱	۳۱/۴	۲۸/۷	۳۱/۶	۲۴/۲	۵۰/۶	۲۲/۳	۱۹۹۵		
	۴۲/۳	۱۵/۸	۲۲/۸	۳۴/۹	۲۶/۷	۲۶/۵	۱۹/۶	۶۱/۹	۱۸/۷	۲۰۰۰		
	۴۳/۴	۲۰/۵	۲۵/۸	۳۰/۷	۳۱/۳	۳۹/۱	۲۲/۶	۵۲/۷	۱۷/۰	۲۰۰۶		
هند	۴۲/۱	۱۶/۹	۲۷/۳	۳۰/۶	۸/۵	۷/۱	۲۷/۹	۶۶/۲	۱۱/۸	۱۹۹۰		
	۵۰/۰	۱۵/۶	۲۶/۳	۲۳/۷	۱۴/۱	۱۳/۲	۲۴/۳	۶۳/۸	۱۲/۵	۲۰۰۰		
	۵۳/۳	۱۵/۸	۲۷/۱	۱۹/۶	۲۶/۳	۲۲/۳	۳۲/۲	۵۶/۷	۱۱/۶	۲۰۰۶		
پاکستان	۴۹/۲	۱۶/۷	۲۵/۹	۲۴/۹	۱۵/۱	۱۳/۹	۲۰/۴	۶۹/۲	۱۱/۰	۱۹۹۰		
	۵۱/۹	۱۵/۵	۲۴/۰	۲۴/۱	۱۵/۷	۱۴/۷	۱۷/۰	۷۶/۳	۷/۸	۲۰۰۰		
	۵۱/۷	۱۷/۸	۲۶/۷	۲۱/۶	۲۴/۷	۱۵/۸	۲۰/۵	۸۲/۰	۶/۴	۲۰۰۶		
ایران	۵۳/۹	۱۰/۶	۲۸/۲	۱۷/۹	۲۷/۴	۱۴/۸	۳۴/۸	۵۷/۹	۱۲/۱	۱۹۹۰		
	۵۰/۱	۱۳/۴	۳۶/۶	۱۳/۳	۱۷/۲	۲۲/۳	۳۴/۵	۴۶/۹	۱۴/۰	۲۰۰۰		
	۴۷/۵	۱۱/۰	۴۱/۶	۱۰/۹	۲۲/۷	۳۳/۵	۲۷/۹	۴۵/۹	۱۱/۷	۲۰۰۶		
مغولستان	۵۴/۳	۱۰/۳	۳۰/۶	۱۵/۲	۴۲/۶	۱۹/۵	۳۳/۴	۶۷/۱	۲۲/۶	۱۹۹۰		
	۴۴/۱	۵/۲	۲۳/۲	۳۲/۷	۷۴/۷	۵۹/۵	۳۳/۲	۶۵/۷	۱۶/۵	۲۰۰۰		
	۵۲/۲	۵/۹	۲۶/۸	۲۱/۰	۷۷/۹	۸۰/۸	۴۰/۷	۲۸/۸	۲۸/۸	۲۰۰۶		
جهان	۶۱/۴	۲۲/۲	۳۳/۱	۵/۵	۲۰/۲	۲۰/۰	۲۳/۷	۵۹/۳	۱۷/۳	۱۹۹۰		
	۶۷/۲	۱۹/۳	۲۹/۱	۳/۷	۲۵/۱	۲۵/۲	۲۲/۴	۶۱/۱	۱۶/۴	۲۰۰۰		
	۶۷/۰	۱۸/۰	۲۹/۱	۳/۹	۳۰/۳	۳۰/۸	۲۲/۶	۵۹/۷	۱۷/۲	۲۰۰۶		

SOURCE: UNCTAD, HANDBOOK OF STATISTICS, 2008, PP: 408-425

۶- جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، شاخص عملکرد و سهم هر یک از ۱۰ کشور عضو و ناظر سازمان شانگهای طی سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۶ در جدول شماره ۵ درج شده است. مطابق اطلاعات آن جدول نتیجه می‌شود که:

اول، کل جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان از ۵۵.۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۱۴۱۱.۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ رسیده و اما با بروز فاجعه یازده سپتامبر و رخدادهای بعد از آن، در نیمه اول دهه ۲۰۰۰ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی روبه کاهش گذاشته به طوری که بعد از چند سال در سال ۲۰۰۵ به ۹۴۵.۸ میلیارد دلار کاهش یافت. البته کل جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان در سال ۲۰۰۶ به رقم ۱۳۰۵.۹ میلیارد دلار افزایش یافت ولیکن همچنان با رقم مربوط به سال ۲۰۰۰ فاصله دارد. خاطر نشان می‌سازد هم‌اینک با بحران مالی در جهان و به تبع آن بحران جهانی اقتصاد، انتظار می‌رود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان نیز به شدت آسیب ببیند.

دوم، از کل جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان، بخش اعظم به کشورهای توسعه‌یافته تعلق داشته است؛ چرا که در سال‌های مطالعه از کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهانی به طور متوسط بیش از ۷۰ درصد به کشورهای توسعه‌یافته و بقیه از آن کشورهای در حال توسعه است. در میان کشورهای توسعه‌یافته نیز بخش مهمی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به اروپای غربی به خصوص اتحادیه اروپا تعلق داشته است و بعد از آن، آمریکای شمالی در ردیف دوم قرار دارد. بر اساس گزارش سرمایه‌گذاری جهانی کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد، ده کشور توسعه‌یافته صنعتی شامل ایالات متحده آمریکا، انگلیس، فرانسه، بلژیک، لوکزامبورگ، سوئیس، آلمان، کانادا، اسپانیا، ایتالیا و سوئد بالاترین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در جهان به خود اختصاص داده‌اند و در میان کشورهای در حال توسعه نیز به ترتیب چین، مکزیک، هنگ‌کنگ، برزیل، برمودا، لهستان، سنگاپور، آفریقای جنوبی، شیلی و جمهوری چک قرار دارند. در این میان، تنها چین از اعضای سازمان همکاری شانگهای در

میان ده کشور در حال توسعه با بالاترین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، حضور با اهمیت و بسیار فعالی دارد.

سوم، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی در کشورهای در حال توسعه به‌طور متوسط حدود ۳۰ درصد بوده است که بخش مهمی از آن به منطقه جنوب شرق آسیا و آمریکای لاتین و کارائیب تعلق داشته است. کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی سازمان شانگهای در سال ۲۰۰۰ حدود ۴۸۸ میلیارد دلار بود که جمعاً ۳۴۶ درصد از کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهانی را تشکیل می‌داد و این رقم طی دو سال ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ به ترتیب به ارقام ۹۶۸ و ۱۲۷۴ میلیارد دلار معادل ۱۰۲۳ و ۹۷۶ درصد از کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهانی تغییر یافت. بدین ترتیب با وجود نوسان، ارزش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی و سهم آن با نوسان رو به فزونی گذاشته است.

جدول شماره ۵: جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای عضو (میلیارد دلار و درصد)

کشور	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۰۶	سهم از جهان	
						۲۰۰۰-۲۰۰۶	۲۰۰۰-۲۰۰۶
چین	۰/۰۶	۳/۵	۴۰/۷	۷۲/۴	۶۹/۵	۱۷۰/۸ (۹/۳)	۲/۹
روسیه	-	-	۲/۷	۱۲/۸	۲۸/۷	۱۰۶۳ (۴۸/۳)	۰/۲
قزاقستان	-	-	۱/۲۸	۱/۹۸	۶/۱۴	۴۷۹/۷ (۲۹/۹)	۰/۱
قرقیزستان	-	-	-۰/۰۰۲	۰/۰۴	۰/۱۸	۴۵۰ (۲۸/۵)	-۰/۰
تاجیکستان	-	-	۰/۰۲	۰/۰۵	۰/۳۹	۱۹۵۰ (۶۴/۱)	۰/۰۰۱
ازبکستان	-	-	۰/۰۸	۰/۰۹	۰/۱۶	۲۰۰ (۱۲/۲)	۰/۶
جمع اعضا	-	-	۴۴/۸	۸۷/۴	۱۰۵/۱	۲۳۴/۶ (۱۵/۳)	۳/۲
هند	۰/۰۸	۰/۲۴	۳/۶	۶/۷	۱۶/۹	۴۶۹/۴ (۲۹/۴)	۰/۲۶
پاکستان	۰/۰۶	۰/۲۸	۰/۳۱	۲/۲	۴/۳	۱۳۸۷۱ (۱۲۷/۵)	۰/۰۲
ایران	۰/۰۸	-۰/۳۶	۰/۰۳	۰/۳۶	۰/۹۰	۳۰۰۰ (۷۶/۳)	۰/۰۰۲
مغولستان	۰/۰۵	۰/۱۸	۰/۱۷	۳۴۰ (۲۲/۶)	۰/۰۴
جمع اعضای ناظر	-	-	۴/۰	۹/۴	۲۲/۳	۵۵۶/۸ (۳۳/۱)	۰/۲۸
جمع کل	-	-	۴۸/۸	۹۶/۸	۱۲۷/۴	۲۶۱/۱ (۱۷/۳)	۳/۴۶
جهان	۵۵/۳	۲۰۱/۶	۱۴۱۱/۴	۹۴۵/۸	۱۳۰۵/۹	۹۲/۵ (-۱/۳)	۱۰۰

SOURCE: UNCTAD, HANDBOOK OF STATISTICS, 2008, PP: 340-346

چهارم، در این میان، تا سال ۱۹۸۰ هیچ‌کدام از کشورها جایگاه فعالی در ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهانی نداشتند تا در سال ۱۹۹۰ تنها چین حضور فعال در جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته است. در سال ۲۰۰۰ علاوه بر چین با ۷۲.۴ میلیارد دلار، دو کشور روسیه و هند نیز به ترتیب با ۱۲.۸ و ۶.۷ میلیارد دلار در جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حضور مؤثرتری ایفا نموده‌اند به طوری که این سه کشور جمعاً ۹۱.۹ میلیارد دلار معادل ۹.۷۲ درصد از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهانی را به خود اختصاص داده‌اند. کشورهای قزاقستان و پاکستان در مراتب چهارم و پنجم قرار داشتند و بقیه ۵ کشور مورد مطالعه از جمله ایران هیچ جایگاهی در جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نداشتند. وضعیت ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای ۱۰ کشور مورد مطالعه کم و بیش طی دو سال ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ تغییر محسوسی نکرده است و همچنان چین، روسیه و هند با رشد شتابان در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کوشا بوده‌اند و جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای سه کشور چین، روسیه و هند در سال ۲۰۰۶ به ۶۹.۷، ۲۸.۷ و ۱۶.۹ میلیارد دلار بوده است که به ترتیب از سهم ۵.۳۲، ۲.۲۰ و ۱.۲۹ درصد برخوردار شده است. قزاقستان و پاکستان نیز در مراتب چهارم و پنجم قرار داشتند.

پنجم، بدون تردید یکی از دلایل رشد اقتصادی شتابان کشور چین و در مراتب بعدی هند و روسیه موفقیت آن سه کشور در جذب جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده است. البته شایان ذکر است متخصصین اقتصاد بین‌الملل معتقدند که اگر جریان سرمایه‌گذاری به ۳ الی ۴ درصد تولید ناخالص داخلی برسد، در این صورت نرخ رشد اقتصادی به میزان ۰/۵ درصد بهبود می‌یابد. مضافاً، کشورهایی که جریان ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتری مواجه بوده‌اند، در جهانی شدن اقتصاد و نیز هم‌پیوندی‌های منطقه‌ای، مشارکت فعالتری ایفا نموده‌اند و در منطقه‌گرایی نیز دارای اهمیت ویژه‌ای هستند. در یک جمع‌بندی باید گفت که مطابق شاخص عملکرد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی اغلب کشورهای مورد مطالعه از جمله چین، روسیه و هند از واحد ۱۰۰ در سال ۲۰۰۰ به ترتیب به ۱۷۰.۸، ۱۰۶۳ و ۴۶۹.۴ واحد در سال ۲۰۰۶ رسیده است. در این بین، هرچند جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم

خارجی چین به طور مطلق ارقام بالاتری است، اما دو کشور روسیه و هند نیز طی سالهای ۲۰۰۶-۲۰۰۰ پیوسته به رشد شتابان جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مبادرت نموده‌اند.

ششم، در این بین شاخص عملکرد ایران در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی، طی سالهای ۲۰۰۰، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ با وجود جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نازل، رو به بهبود بوده است. البته واقعیت این است که جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۱۹۹۰ منفی است که نشان می‌دهد ایران نه تنها با جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مواجه نبوده، حتی با جریان خروجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مواجه بوده است. در سال ۲۰۰۰ جریان خروجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی متوقف و جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را شاهد بوده است و این روند طی دو سال ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ رشد شتابانی را تجربه کرده است ولیکن این ارقام در مقایسه با کشورهای موفق مورد مطالعه از جمله چین، روسیه و هند بسیار ناچیز ارزیابی می‌شود. خاطر نشان می‌سازد که هم‌چنان شرایط و فضای کلان و خرد اقتصاد ایران انگیزش کافی برای جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی فراهم نیاورده تا جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ارقام مناسب و مقایسه‌پذیری ارتقا و بهبود یافته باشد.

۷- جمع‌بندی

سازمان همکاری شانگهای اساساً یک سازمان همکاری‌های منطقه‌ای است که بر مبنای رفع اختلافات مرزی بین چین و جمهوری‌های آسیای مرکزی بنیان نهاده شد. این اختلافات به دوره شوروی باز می‌گردد. به همین سبب الگوی مناسبی که از همکاری برای رفع اختلافات مرزی پدید آمد، این مدل را برای ادامه همکاری‌های منطقه برگزیدند و سازمان کنونی شانگهای شکل گرفت. سازمان شانگهای همچون دیگر تشکیلات مشابه، طبیعی است که برای رویارویی با تهدیدها و فرصتهایی مشترک در بین اعضا تشکیل شده است و مواجهه با آنها اعضای را در کنار هم گرد آورده است که اهم آنها را می‌توان در موارد زیر طبقه‌بندی کرد:

الف: تهدیدات مشترک

- کشورهای عضو و ناظر سازمان همکاریهای شانگهای همگی به جهت وجود مناطق قومی - قبیله ای به نحوی با تجزیه طلبی مواجه هستند و در آنها امنیت ملی و تمامیت ارضی مسأله ای اساسی است. از این منظر آنها می توانند در زمینه یک تهدید مشترک با یکدیگر همکاری کنند. آقای مدویدف رئیس جمهور روسیه این موضوع را یکی از مسائل عمده و اساسی می داند؛
- رشد ناامنی در افغانستان و وجود حکومت مرکزی ضعیف و ناتوان در برقراری امنیت و جلوگیری از رشد تولید مواد مخدر؛
- حضور آمریکا در منطقه آسیای مرکزی در قلب منطقه (هارتلند سنتی) به بهانه حمایت از عملیات نظامی نیروهای ائتلاف و ناتو در افغانستان؛
- خروج برخی از کشورهای کلیدی عضو از جمله ازبکستان از عضویت سازمان که می تواند به وحدت و تمامیت سازمان آسیبی جدی وارد سازد.

ب: فرصتهای مشترک

- در سازمان شانگهای دو قدرت اقتصادی در حال ظهور (هند و چین) نیاز شدیدی به واردات انرژی دارند. جریان تجارت انرژی در آبهای بین المللی می تواند از سوی قدرتهای رقیب و به ویژه آمریکا به عنوان ابرقدرت جهانی تحت کنترل قرار گیرد. عرصه سازمان شانگهای در یک محیط امن می تواند تأمین کننده این امنیت انرژی برای چین و هند باشد، زیرا ایران با در اختیار داشتن ذخایر نفتی فراوان (۱۴۰ میلیارد بشکه نفت خام و ۱۳٪ ذخایر گاز جهان) و روسیه (حدود ۷۵ میلیارد بشکه نفت خام و ۳۶٪ ذخایر گاز طبیعی جهان) در کنار ازبکستان، ترکمنستان و قزاقستان، توانایی تأمین انرژی مورد نیاز اقتصادهای منطقه را دارا هستند.
- زیرساختهای حمل و نقل و بنادر و فرودگاهها ارتباط بین کشورهای منطقه را بدون مزاحمت نیروهای خارج از منطقه از اقیانوس آرام تا اقیانوس اطلس را در محور طولی و ارتباط کل منطقه را با جنوب (خلیج فارس و دریای عمان و اقیانوس هند را از طریق خاک ایران فراهم می سازد. کریدور حمل و نقل شمال جنوب بین روسیه، ایران و هند را با گذر از دریای خزر

و قلمرو ایران به آبهای آزاد فراهم می‌سازد و اروپا را به خلیج فارس و اقیانوس هند متصل می‌کند (امیراحمدیان، ۱۳۸۸).

بنابراین سازمان شانگهای هم در زمینه ژئواکونومیک و هم ژئوپلیتیکی از اهمیت خاصی برخوردار است. این سازمان هم‌اکنون ۶ عضو دائم (چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان) و ۴ عضو ناظر (ایران، هند، پاکستان و مغولستان) دارد. در صورت پذیرش عضویت کامل ایران در این سازمان، در آن صورت ایران برای نخستین بار خواهد بود که به یک سازمان منطقه‌ای با چنین ساختاری ملحق می‌شود که قصد دارد در برابر پیمان ناتو به ایفای نقش پردازد. از آنجا که ناتو پس از فروپاشی اتحاد شوروی و انحلال پیمان ورشو در اهداف نخستین خود تغییراتی داده و از اهداف خود در سال ۱۹۴۹ برای مقابله با تهدید حمله اتحاد شوروی، در حال حاضر تضمین ثبات ژئوپلیتیکی، حفظ ارزش‌های دموکراسی، آزادی، سیاست اقتصادی تجارت آزاد و قانون‌سالاری و توسعه همکاری‌های بین‌المللی در جهان را در اهداف، ماموریتها و عملکرد خود در نظر دارد، لذا پیمان شانگهای به تعبیری برای رقابت با این فضا در صدد ایفای نقش است. لذا هر دو سازمان اهدافی را دنبال می‌کنند که در چارچوب ساختار عدم تعهدها نمی‌گنجد. شاید به‌نوعی بتوان گفت که عضویت دائم ایران در سازمان شانگهای می‌تواند با اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از برخی جهات ناهماهنگی و منافات داشته باشد. با اینکه عضویت ایران از جهاتی می‌تواند برای منافع ملی ایران و توسعه حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک ایران مفید باشد. اما با در نظر گرفتن سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران، ایران برای دستیابی به جایگاه مورد انتظار باید در سازمانهای منطقه‌ای مشارکت داشته باشد تا بتواند جایگاه ژئوپلیتیکی خود را ارتقاء دهد. در صورت عدم پذیرش ایران به عضویت دائم، ایران هم با عضویت ناظر و هم با همسایگی با شانگهای می‌تواند از فضای سیاسی، اقتصادی شانگهای بهره‌گیرد. به‌نوعی موقعیت جغرافیایی ایران در همسایگی چنین سازمان مهمی دارای ارزش استراتژیک است. ایران بزرگترین دارنده منابع انرژی، موقعیت جغرافیای چهارراهی و به یک اعتبار، موقعیت ژئوپلیتیکی ارزشمند که پتانسیل بسیار بالایی برای ارتقای جایگاه ژئواکونومیک دارد، در هر حالتی می‌تواند بهره‌مند شود (به

شرط مدیریت هوشمندانه و بهره‌گیری از شرایط).

تنها جریانی که توانایی ایستادگی در برابر ناتو در گسترش به شرق را داراست، می‌تواند شانگهای باشد که خواهد توانست یا در رویارویی یا در همکاری با ناتو، موجب عدم گسترش آن و رفع تهدید کشورهای مستقل باشد. اگرچه فدراسیون روسیه در شورای ناتو همکاری دارد و با نیروهای ناتو در افغانستان در زمینه لجستیک همکاری می‌کند، ولی هیچگاه روسیه به‌عنوان عضو اصلی و مهم شانگهای، عضو ناتو نخواهد شد و نمی‌تواند بشود.

در عرصه جغرافیایی پیمان شانگهای در هارتلند قرار دارد که پس از فروپاشی شوروی اگرچه گمان می‌رفت دیگر اهمیت خود را از دست داده است، اما اکنون هم برای روسیه و هم برای نیروهای دیگر از جمله جریانهای افراطی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. در عرصه‌های جغرافیایی که در خلاء ژئوپلیتیکی قرار می‌گیرد و در آن انسان حضور ندارد، می‌تواند مورد استفاده جریانهای دیگری قرار گیرد. مافیای مواد مخدر از این فضاها به‌خوبی بهره می‌گیرد و در مناطق همجوار با عرصه طالبان، القاعده و مواد مخدر این فضاها بسیار قابل توجه است. مناطق منزوی از انسان و حکومتها به جهت انزوای جغرافیایی و صعوبت طبیعی، کوهستانها و کویرها و دشتها و جنگلهای غیرقابل ورود و غیرقابل کنترل می‌تواند مورد سوء استفاده قرار گیرد. جریانات مافیایی و تروریستی هم همیشه قدرتمندتر و ثروتمندتر از دولتها، امکانات لازم را در اختیار دارند. گفته می‌شود که خلافکاران تجهیزات پیشرفته‌تری نسبت به نیروهای سازمان‌یافته دولتی دارند. اقتصاد مخرب مواد مخدر به اندازه کافی پول، امکانات، تجهیزات و انگیزه برای افراد و سازمانهای درگیر در آن دارد و همین عوامل ادامه این جریان را امکان‌پذیر می‌سازد.

از سویی دیگر کشت، تولید و صادرات مواد مخدر از افغانستان به دیگر مناطق جهان نه تنها کاهش نیافته بلکه افزایش یافته است و گفته می‌شود حتی مواردی از همکاری سربازان و نیروهای نظامی غربی پاسدار صلح نیروهای ائتلاف نیز در این جریان دیده شده است. حمل و نقل مواد مخدر و تجارت پر سود آن به ابزاری در دست جنگ سالاران تبدیل شده است که در سایه روشن آن بسیاری سود می‌بندد، حتی دامنه سود بدان حد بالاست که کشاورز مسلمان

افغانی حاضر به ترک آن نیست و روحانیون آنجا نیز فتوایی برای حرام بودن آن صادر نمی‌کنند. این تصویر نازیبا از صحنه افغانستان دامن تمامی کشورهای منطقه و در وهله نخست و در خط مقدم، ایران را در بر می‌گیرد و امنیت مرزهای شرقی آن را با تهدید و ناامنی روبرو می‌سازد. اکنون این چالش بزرگ سازمان شانگهای را تهدید می‌کند (امیراحمدیان، ۱۳۸۸).

عضویت ایران در سازمان شانگهای البته به اذعان مقامات چین و روسیه و در دو عرصه برای اعضای شانگهای بسیار حائز اهمیت است: اول، نقش ثبات دهنده ایران در آسیای مرکزی به‌خاطر نفوذ سیاسی، فرهنگی و معنوی ایران و دوم، نقش اقتصادی و تجاری ایران در عرصه تولید و حمل و نقل، ارتباطات و انرژی است. علاوه بر این مؤلفه‌ها جمهوری اسلامی ایران زمینه‌ها، ظرفیت‌ها و پتانسیل بسیار خوبی برای همکاری با شانگهای دارد، زیرا عضویت ایران در پیمان شانگهای می‌تواند با سیاست اصولی خود در افزایش همکاری‌ها با همسایگان و نهادهای اقتصادی و منطقه‌ای و بین‌المللی همخوانی داشته باشد. ضمن آنکه از منظر استراتژی‌های کلان منطقه‌ای و بین‌المللی، نیز می‌توان شاهد نوعی همگرایی، همکاری و اشتراک مواضع میان ایران و سازمان همکاری شانگهای بود (عزتی، ۱۳۸۶: ۷۵).

مساحت کشورهای عضو (اصلی و ناظر) پیمان شانگهای روی هم معادل ۳۷ میلیون کیلومتر مربع یا بیش از ۲۸ درصد سطح خشکی‌های زمین است. این سازمان از لحاظ گستره جغرافیایی در مرکز قاره آسیا پراکنده شده است و در حقیقت اعضای آن از حیث جغرافیایی نزدیک به هم و در واقع جزء شرکای تجاری طبیعی یکدیگرند. سازمان شانگهای با دارا بودن جمعیت ۲.۹ میلیارد نفر ۴۳.۶۲ درصد از جمعیت جهانی را در خود جا داده است و از نظر اندازه جمعیت، اولین بازیگر منطقه‌ای در جهان است و وزن مسلط در میان دیگر ترتیبات منطقه‌ای دارد.

در این قلمرو دو غول اقتصادی آسیا (چین و هند) در حال قدرت‌گیری و تبدیل شدن به قدرتهای تأثیرگذار در منطقه و جهان‌اند که هر دو فاقد منابع انرژی‌اند و ناگزیرند بخش بزرگی از انرژی مصرفی برای اقتصاد در حال رشد خود را از جهان خارج واردکنند. در این پیمان دو غول عمده تولیدکننده نفت (ایران و روسیه) وجود دارند که از ذخایر غنی گاز نیز برخوردارند.

بنابراین این پیمان در درون قلمرو خود از سه عامل انرژی (نفت و گاز)، تولیدات (صنعتی و کشاورزی) و مصرف (جمعیت قابل توجه) برخوردار است. جمعیت خود بازار بزرگی برای تولیدات صنعتی و کشاورزی منطقه است.

اما در این پیمان منطقه‌ای نکات منفی چندی نیز وجود دارد. اغلب کشورهای عضو از کشورهای کثیرالمله هستند که امکان رشدیابی جریانهای تجزیه طلب در آنها وجود دارد. در فدراسیون روسیه مسلمانان قفقاز بویژه چچن، در چین مسلمانان سین کیانگ، در پاکستان پشتونستان و وزیرستان، در هندوستان کشمیر و ایالت آسام، در ازبکستان ولایات سمرقند و بخارا، در قزاقستان روسها، در تاجیکستان منطقه خجند، به همین سبب کشورهای عضو می‌توانند در این زمینه با یکدیگر همکاری داشته باشند. این کشورها علاوه بر تجزیه طلبی با جریان قاچاق مواد مخدر، اسلام‌گرایی طالبانی و قاچاق اسلحه و انسان نیز مواجه‌اند که در برابر تهدیدات مشترک می‌توانند با یکدیگر همکاری کنند.

تهدیدهای دیگری که می‌تواند آینده همکاری‌های منطقه‌ای را در چارچوب پیمان‌شانگهای دچار خلل کند، خصومت‌های بین چین و هند از یک سو و هند و پاکستان از سوی دیگر است. جمع جبری بازی آنها می‌تواند بازی صفر باشد. از اینرو این پیمان با دو عضو قدرتمند و پرجمعیت می‌تواند در صورت موازنه منفی به فروپاشی و در صورت موازنه مثبت به قدرتی تأثیرگذار تبدیل شود. اصولاً سازمانهای منطقه‌ای در عرصه بین‌الملل بدون داشتن ضریب امنیتی بالا نتوانسته‌اند موفق باشند. اتحادیه اروپا در کنار توسعه سازوکارهای اقتصادی، سازمانی نظامی را به نام ناتو در کنار خود دارد که با تهدیدهای امنیتی می‌تواند مبارزه کند و نسبت به رفع تهدیدها عمل کند. درحالی که در پیمان شانگهای هر یک از اعضا به دنبال منافع خود است و بیشتر منافع خود را بر منافع جمع ترجیح می‌دهد. از سویی سه قدرت مهم این پیمان (چین، هندوستان و روسیه) کشورهای مسلمان نیستند هرکدام از آنها با دیدگاه دینی و فرهنگی متفاوتی می‌خواهند تعدادی کشورهای مسلمان سنتی (ایران و پاکستان) را در کنار هم گرد آورده و به همکاری و مشارکت با یکدیگر ترغیب نمایند.

هنوز زود است که بتوان در مورد ادامه همکاری در شانگهای رأی نهایی صادر کرد، اما

همین قدر که این کشورها می‌خواهند در کنار هم قرارگیرند، گامی رو به جلو است. اگر بدانیم که سازمان شانگهای در دهه ۹۰ برای رفع تهدیدهای نظامی و مبارزه با اسلام افراطی شکل گرفت و برای حل مسئله اختلافات مرزی باقی‌مانده از دوران جنگ سرد بین چین و شوروی تشکیل شد، انتظارات پیشرفت همکاری‌های اقتصادی را با دیدگاهی انتقادی‌تر مورد ملاحظه قرار خواهیم داد. با این وجود جهان آینده جهان همکاری‌های منطقه‌ای است و سازمان شانگهای می‌تواند در این راه گام بر دارد.

۸- قدردانی

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از مؤسسه مطالعات و پژوهشهای باررگانی به‌خاطر مساعدت در انجام پژوهش حاضر، قدردانی به‌عمل آورند.



منابع

۱. امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۸)؛ سازمان شانگهای و چالشهای پیش‌رو، روزنامه اعتماد ملی، مورخ ۱۳۸۸/۴/۶.
۲. امینی، آرمین (۱۳۸۶)؛ گزارش راهبردی عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای: ابعاد و رویکردها. گروه پژوهشی سازمانهای بین‌المللی معاونت پژوهشهای روابط بین‌الملل مرکز تحقیقات استراتژیک.
۳. حاجی باقی‌آبادی، احمد (۱۳۸۵)؛ منطقه‌گرایی و شانگهای (با تأکید بر عضویت ایران). پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی به راهنمایی علی امیدی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان.
۴. حسینی، میرعبداله و بزرگی، وحید (۱۳۸۸)؛ توسعه تجارت ایران با سازمان همکاری شانگهای. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
۵. شمسیان‌فرد، حمید (۱۳۸۵)؛ سازمان همکاری شانگهای و آینده ایران در آن. اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۲۴ - ۲۲۳، صص ۲۴۸-۲۵۷.
۶. عزتی، عزت‌اله و یزدان‌پناه درو، کیومرث (۱۳۸۶)؛ تحلیلی بر ژئوپلیتیک پیمان اقتصادی - امنیتی شانگهای با تأکید بر چشم‌انداز عضویت ایران در این سازمان، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره سوم، پاییز.
۷. قاضی‌زاده، شهرام و طالبی‌فر، عباس (۱۳۸۷)؛ سازمان همکاری شانگهای، همگرایی نوین منطقه‌ای، نشر لقالنور.
۸. یام، سین. ل (۱۳۸۷)؛ سیاست قدرت در آسیای میانه: جایگاه «سازمان همکاری شانگهای» در معادلات منطقه‌ای، ترجمه ف. م. هاشمی. روزنامه سرمایه، شماره ۸۳۹، سه شنبه، ۲ مهر.
9. Barry, Donald and Ronald C. Keith, eds (1999); *Regionalism, Multilateralism, and the Politics of Global Trade*. Vancouver: UBC Press.
10. Brahmhatt, Milan and Dadush, Uri (1996); "Disparities in Global Integration". *Finance and Development*, Volume 33, No.3.
11. Noi, Aylin Ünver (2006); "Iran and the Shanghai Cooperation Organization: Is It Possible for Iran to Become Full Member of the Shanghai Cooperation Organization under Pressure of Nuclear Issue?" *PERCEPTIONS, Journal of International Affairs*, Volume XI, Autumn- Winter, p. 79-104.
12. Sheila, Page (2000); *Regionalism among Developing Countries*. Macmillan Press LTD. Overseas Development Institute. London.
13. Turner, Jefferson E (2005); "Shanghai Cooperation Organization: Paper Tiger or Regional Powerhouse?" Master's Thesis. Naval Postgraduate School, Monterey, California.
14. UNCTAD (1995-2008); "Handbook of International Trade and Development Statistics 1994-2008". New York: UN Publications. (www.UNCTAD.Org).

15. World Bank (1998 -2008); World Development Indicators Database.(www.worldbank.org/Data/...).
16. [Http://www.caspianstudies.com/Foreignpolicy/article/shanghai.doc](http://www.caspianstudies.com/Foreignpolicy/article/shanghai.doc).
17. [Http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtid=06&depid=45&semid=1337](http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtid=06&depid=45&semid=1337).
18. [Http://faostat.fao.org/site/377/DesktopDefault.aspx?PageID=377#ancor](http://faostat.fao.org/site/377/DesktopDefault.aspx?PageID=377#ancor).
19. [Http:// www.Sing mania.com/ CHINA NEWS/ Shanghai- Cooperation- Organization.htm](http://www.Sing mania.com/ CHINA NEWS/ Shanghai- Cooperation- Organization.htm).

